روزنامه شرق

سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۲۵ رمضان ۱۴۴۱ • ۱۹ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۲۴ • ۱۶صفحه • ۵۰۰۰ تومان

مقام معظم رهبری:

برافراشته نگه‌داشتن پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، روز گذشته در نشستی تصویری با مجموعه‌ای از جوانان دانشجو و تشکل‌های دانشگاهی، با اشاره به واقعیت‌های امیدآفرین کشور در مقابله با جبهه ظلم...

صفحه ۶

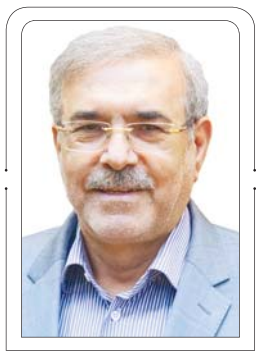

دبیر شورای عالی مناطق آزاد در گفت‌وگو با «شرق»

هیچ ورود و خروجی در مناطق آزاد، قاچاق نیست

گروه اقتصاد: چند دهه از ایجاد اولین منطقه آزاد در ایران می‌گذرد و حالا لایحه افزایش تعداد مناطق آزاد از هفت تا به بیش از صد منطقه آزاد و ویژه، در بایگانی خانه ملت منتظر تصویب یا رد نمایندگان دور بعدی مجلس است. بحث بر سر منطقه آزاد...

صفحه ۸

وزارت کشور در نامه‌ای به نطق مطهری درباره مقصربودن وزیر کشور در حوادث آبان واکنش نشان داد

چرا وزیر کشور پس از آبان استیضاح نشد؟

صفحه ۲

رمزگشایی از حمایت حزب مؤتلفه از میرسلیم

مؤتلفه در سودای بازگشت به قدرت

عکس: مونا هورمه‌فکر، ایسنا

صفحه ۳

تیترها

در لیست ارزی چه خبر است

صفحه ۴

۱۶ هزار زندانی با پایان مرخصی‌ها، به زندان برنمی‌گردند

صفحه ۲

۷۰ روز گذشت آقای تاج

صفحه ۱۴

انگشت اتهام به سوی مدیران ارشد صنعت هوایی

صفحه ۵

۵ استان ایران در وضعیت هشدار قرار گرفتند

موج جدید کرونا

صفحه ۱۳

گواهی سپرده سکه متوقف شد

صفحه ۴

سرمقاله

تاریک و روشن رسیدگی به پرونده مفسدان اقتصادی

نعمت احمدی . حقوق‌دان

شرایط اقتصادی و بدهی‌ها و معوقات بانکی در اواخر دوره دوم رئیس سابق قوه قضائیه مورد توجه او قرار گرفت و نحوه رسیدگی به معوقات بانکی را کافی به مقصود ندانست و با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری و واردکردن عنوان وکلای مورد وثوق قوه قضائیه در رسیدگی قضائی پرونده‌های یادشده، با وجود مخالفت‌ها و مغایرت‌های این تقسیم‌بندی بین وکلا، ظاهرا این طرح مورد توجه مسئولان قضائی قرار گرفت که از وکلای مورد وثوق قوه قضائیه که در پرونده‌های امنیتی استفاده می‌کردند، در این پرونده‌ها هم استفاده کنند و خود را از مقررات لابد دست‌وپاگیر آیین دادرسی‌ها رها کنند. سرانجام رئیس سابق قوه قضائیه به این نتیجه رسید که به‌جای تغییر در قانون آیین دادرسی کیفری در برخورد با مفاسد اقتصادی «اقدامات ویژه در برخورد قاطع و سریع با اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی» را به‌صورت «استجازه» از مقام معظم رهبری درخواست کند. به همین اعتبار مجوزی در تاریخ ۹۷/۵/۲۰ در ۱۲ بند از مقام رهبری اخذ کرد که به «استجازه» معروف شد. در مقدمه درخواست (استجازه) آمده است: «نظر به شرایط ویژه اقتصادی کنونی که نوعی جنگ اقتصادی محسوب می‌شود و متأسفانه عده‌ای از اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی هم در راستای اهداف دشمن موجبات آن را فراهم و مرتکب جرائمی می‌شوند که ضرورت برخورد قاطع و سریع با آنان را می‌طلبد». این مقدمه با ۱۲ بند که اهم آن رسیدگی به مفاسد اقتصادی در دادگاه انقلاب در شعب ویژه زیر نظر قضاتی است که ۲۰ سال سابقه قضائی داشته باشند و محل این دادگاه‌ها در تهران باشد، مگر اینکه رئیس قوه قضائیه تشخیص دهد حسب ضرورت در مراکز استان‌ها نیز تشکیل شود، در جلساتی علنی و قابل انتشار در رسانه‌ها با حذف مواعید قانونی و محدودکردن مواعید به پنج روز و استفاده از وکلای موضوع تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یعنی محدودکردن حضور وکلای دادگستری به چند وکیلی که مورد وثوق قوه قضائیه هستند و منع تعلیق و تخفیف نسبت به مجازات اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی و بازبودن دست مقامات قضائی رسیدگی‌کننده به صدور بازداشت موقت تا ختم رسیدگی و صدور حکم قطعی و غیرقابل‌اعتراض‌بودن قرار بازداشت موقت و هرگونه تغییر در قرار بازداشت موقت به‌وسیله دادگاه، اجرائی شد. در نهایت حسب بند ۱۰ درخواست استجازه که مقرر می‌کند: «آرای صادره از این دادگاه به‌جز اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا باشد و احکام اعدام هم با مهلتی ۱۰ روزه قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور است و این استجازه از تاریخ تصویب یعنی ۹۷/۵/۲۰ به مدت دو سال اعتبار دارد» کار آغاز شد. مقام معظم رهبری ذیل درخواست رئیس سابق قوه قضائیه موافقت فرمودند با این قید که «مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه صورت گیرد» و درباره اتقان احکام هم تکلیف فرمودند که «دقت لازم را توصیه فرمایند». این استجازه در بادی امر مورد استفاده وکلای مورد وثوق قوه قضائیه قرار گرفت. نمی‌دانم چند پرونده با تکیه بر استجازه در شعب ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی مورد رسیدگی واقع شد و چه مبالغی از این طریق از مفسدان اخذ و به بیت‌المال برگشت داده شد، اما بر این باورم که شیوه برخورد با مفسدان یعنی بازداشت موقت آنان قبل از قطعیت حکم راهکار مناسبی نبود که متضمن بازگشت معوقات بانکی و اعداد و ارقام نجومی‌ای باشد که توسط عده‌ای خاص از سیستم بانکی خارج شده بود. تجربه تلخ پرونده بابک زنجانی و عدم بازگشت پول‌هایی که مورد ادعای وزارت نفت بود با بازداشت بابک زنجانی به بیت‌المال و به‌بن‌بست‌رسیدن شیوه برخورد با پرونده بابک زنجانی باید چراغ راه برخورد با مفسدان اقتصادی می‌شد. نگارنده زمان بازداشت آقای زنجانی در «شرق» نوشت «با بازداشت بابک زنجانی مخالفم نه از این بابت که جرمی انجام نداده است، بلکه از این منظر که هدف از برخورد با امثال بابک زنجانی رسیدن به پول‌هایی است که من غیرحق تصرف کرده‌اند» یا وقتی حمید باقری‌درمنی اعدام شد، نوشتم آیا هدف از برخورد با باقری‌درمنی اعدام اوست یا بازگشت پول‌هایی که من غیرحق تصاحب کرده بود مقدم بر اعدام است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

ادعای غرامت یا سلطه کرونا بر عرصه سیاست؟

محمدحسین عمادی
نماینده دائم ایران در سازمان FAO

بسیاری معتقدند تهدید اصلی امروز، نه ویروس بلکه مقامات پوپولیست جهان هستند که به بهانه کرونا و با تکیه بر احساسات و ساده‌اندیشی طرفداران خود جهان را به سمت تخاصم و ویرانی می‌کشند. هم‌زمان با تلاش سازمان بهداشت جهانی و دانشمندان برای یافتن منشأ و راه‌حلی برای بیماری کرونا، برخی سیاست‌مداران نیز از این فرصت بهره گرفته و با سیاسی‌کردن این پدیده به دنبال پوشاندن نقاط ضعف مدیریتی و گاه جذب افکار عمومی به سمت خود و تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات هستند. در این شرایط، همبستگی و اعتماد متقابل مردم در سطح جهانی و تکیه بر علم به کناری گذاشته شده و مقصربابی و تلافی‌جویی به آفتی اپیدمیک و مبنای کشمکش جدی سیاسی در صحنه بین‌الملل تبدیل شده است. طرفداران بی‌شمار تئوری توطئه هم با استفاده از رسانه‌های مجازی به این توهم دامن زده و کماکان ادعا می‌کنند که این توطئه طراحی‌شده‌ای است برای ضربه زدن به دشمن فرضی یا اختلال در نظم جهانی یا خطایی است که به دلیل بی‌مبالاتی از آزمایشگاه‌های شهر ووهان به بیرون منتقل شده. تبلیغات گسترده برخی رسانه‌ها هم کشور چین را از ابتدا نشانه گرفته بود، به‌تدریج به موج چین‌هراسی و چینی‌ستیزی ختم شده و هم‌اکنون به منشأ نگرانی بسیاری از روشنفکران جهانی تبدیل شده است. در حوزه سیاست بین‌الملل نیز کشمکش‌ها ادامه یافته و نهایتا بدون هیچ مفاهمه بین‌المللی به طرح ادعاها و بیانیه‌هایی مانند محکومیت یک‌جانبه سیاسی، تهدید به تلافی از طریق تحریم و مطالبه حقوقی و اخیرا به ادعای مطالبه جبران خسارت و مقوله غرامت تبدیل شده است. سعی ما بر این است که ادعاهای مطرح‌شده در زمینه جبران خسارت و طلب غرامت را از ابعاد حقوقی و عرف بین‌الملل بررسی کرده و با ارزیابی واقعیت موجود امکان عملی و اجرائی این ادعا را بیان کنیم. اما هدف اصلی بیان هزینه‌های عظیم و غیرقابل‌جبران اما پنهان، مانند ماهیت اصلی ویروس است که در این فرایند باطل بر جامعه بشری تحمیل می‌شود.

ادعای خسارت و طلب غرامت بیماری‌های همه‌گیر

● **ابعاد حقوقی آن در قانون و عرف بین‌الملل:** برخی سیاست‌مداران غربی و آمریکایی که آسیب فراوان سیاسی و اقتصادی را در این بحران تحمیل و تحمل کرده‌اند، با زیرسؤال‌بردن نهادهای مرجع بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی، خواهان دسترسی بدون قیدوشرط به تمامی اسناد و آزمایشگاه‌های مربوطه در چین به‌منظور ردگیری ظهور ویروس و تحقیقات از سوی متخصصان غربی هستند.از سوی دیگر تئوری‌های مشابهی در عالم سیاست شکل گرفته است که ترامپ می‌خواهد بدهی عظیم انباشته‌شده آمریکا به چین را به بهانه عدم شفافیت و کوتاهی این کشور در مبارزه با کرونا، به‌عنوان خسارت نپردازد یا حداقل فعلا این هدف را به‌عنوان یک حربه برای تبلیغات انتخاباتی پیش‌رو دنبال کند. بدون شک ابعاد این بحران بسیار خطرناک‌تر از تأثیر مستقیم کرونا بر جان و سلامت آدمیان خواهد بود و می‌تواند تمامی معادلات سیاسی و اقتصادی جهان را دستخوش تغییر کرده و به اصلی‌ترین تهدید و رویارویی قرن تبدیل شود. حال سؤال اینجاست که آیا غرب به سرکردگی آمریکا می‌تواند دست به چنین اقدامی بزند و تا چه حد تهدید به غرامت و ادعای خسارت می‌تواند از نظر حقوقی موجه و امکان‌پذیر باشد؟ این سؤال در اولین نگاه دو وجه متمایز اما کاملا مرتبط با هم دارد. یکی مشروعیت این ادعا از ابعاد حقوقی و عرف بین‌الملل و دیگری امکان‌پذیری آن در چارچوب معادلات سیاسی و تجارت بین‌الملل حاکم بر جهان است. سؤالی که در حوزه حقوق و عرف بین‌الملل مطرح می‌شود این است که آیا مبانی حقوق بین‌الملل و عرف روابط جهانی اجازه مطرح‌کردن چنین ادعایی را می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال باید موضوع را اول از نظر معاهدات بین‌المللی و سپس از نظر قوانین بین‌الملل دنبال کرد. در هیچ‌یک از معاهدات بین‌المللی (International Conventions) که از قرن نوزدهم میلادی در زمینه بیماری‌های واگیردار در جهان جاری است از جنبه حقوقی به جبران خسارت و پرداخت غرامت به کشوری در ازای خسارت وارده هیچ اشاره‌ای نشده است. معاهده اصلی‌ای که در این زمینه در جهان وجود دارد، مقررات بین‌المللی بهداشت یا International Health Regulation(IHR) است که در آن نیز هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌شود. در اکثر معاهدات بین‌المللی که مبنای قضاوت و داوری هستند، تأکید و تمرکز کمتری بر عواقب رعایت‌نکردن معاهدات شده و بیشتر به وجوب رعایت مقررات و ملاحظات آن اشاره می‌کنند. در مواردی که معاهدات بین‌المللی ساکت است، قاعدتا باید به قوانین بین‌الملل رجوع کرد که مهم‌ترین قانون دراین‌باره در حوزه مسئولیت دولت‌ها (State Responsibility) است. این قانون به تعهد دولت‌ها در جبران خساراتی که به دلیل خطا عمدی به دیگر کشورها وارد کرده‌اند، اشاره می‌کند اما به بیماری‌های همه‌گیر یا واگیردار در این قانون نیز اشاره‌ای نشده و هیچ قاعده عرفی و شیوه‌ای را نیز بیان نمی‌کند.

اگر از معاهدات و قوانین بین‌المللی بگذریم و به عرف بین‌الملل رجوع کنیم در تاریخ معاصر نیز هیچ‌گونه سابقه‌ای در ادعای خسارت و غرامت در موارد بیماری‌های همه‌گیر بین کشورها به چشم نمی‌خورد که بتوان به آن تکیه کرده و مبنای عمل قرار دهیم. اگر به ماهیت این مقوله دقت کنیم، به برخی از دلایل آن پی می‌بریم. از آنجا که شیوع بیماری‌ها واگیردار از جمله عوامل طبیعی شناخته می‌شود و از پیچیدگی بیولوژیک خاص برخوردار است، هرگونه ادعا نیازمند اثبات علمی آن بر اساس تحقیقات گسترده بیولوژیک و اپیدمیولوژیک پیچیده است که باید مورد تأیید سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی قرار گیرد که این خود نیازمند زمان طولانی و شواهد قوی و مستندات علمی و معتبر خواهد بود. برای مثال در مورد آنفلوانزای اسپانیایی که در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ عالم‌گیر شد و جان میلیون‌ها نفر را گرفته هرچند این بیماری به نام اسپانیا قید شده است اما هنوز که بیش از صد سال از آن می‌گذرد، منشأ و زادگاه آن دقیقا مشخص نیست و ایالات متحده آمریکا خود یکی از کشورهایی مظنون است که در لیست کشورهای است که می‌تواند بالقوه منشأ آن شناخته شود. در سال ۲۰۰۹ ویروس H1N1 نیز اولین بار در ایالات متحده آمریکا کشف و شناخته شد اما هیچ‌گاه کشوری آن را ویروس آمریکایی نام‌گذاری نکرد و مدعی خسارت و طلب غرامت از آمریکا نشد.

نکته بسیار حیاتی و مهم که در کنترل بیماری‌های واگیردار مهم است و به روابط بین‌الملل مرتبط می‌شود، آن است که اگر ظهور بیماری در یک کشور به یک جرم تبدیل و تلقی شود، قطعا نظام بهداشت جهانی را دچار آشفتگی و آشوب اساسی خواهد کرد؛ زیرا به طور ناخودآگاه هر کشور و هر شهروند خود را مقصر شناخته و تلاش برای مخفی نگه‌داشتن منشأ بیماری ایجاد خواهد شد که تأثیر بسیار مخربی بر فرایند شناسایی، ردیابی و درمان بیماری ایجاد خواهد کرد. اگر حتی از ابعاد و خصوصیات طبیعی و بیماری واگیر در مقوله ادعای خسارت بگذریم و به بحران‌های جهانی که ماهیت سیاسی و اقتصادی داشته و نقش خطای عمدی انسان در آن بسیار مشخص و قابل ردیابی است، بنگریم، خواهیم دید که مقوله ادعای خسارت در آن موارد هم مطرح و اعمال نشده است. بهترین مثال بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی است که به اعتراف همه صاحب‌نظران منشأ آن بحران همانا خطاهای مدیریت مالی در سیستم بانکی آمریکا بود که باعث واردشدن میلیاردها دلار خسارت به کشورهای اروپایی، آسیایی و کشورهای فقیر جهان شد و هیچ موردی از طلب خسارت و ادعای غرامت از دولت آمریکا به عمل نیامد.

نکته مهم و حقوقی دیگر آن است که حتی اگر ادعایی از سوی کشوری مطرح شود، طبق قوانین جهانی، مرجع تشخیص هرگونه تخلف یا کوتاهی در فرایند شناسایی و مبارزه با بیماری‌های واگیردار سازمان بهداشت جهانی WHO است که تحت نظارت سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند. درباره بحران کرونا تاکنون هیچ مورد تخلف و رعایت‌نکردن مقررات بین‌المللی بهداشت IHR از سوی چین گزارش نشده است و عملکرد این کشور از سوی سازمان بهداشت جهانی از ابتدا و بارها تأیید شده است و هیچ کشور ثالثی نیز تاکنون رسما از چین به دلیل رعایت‌نکردن مقررات بین‌المللی بهداشتی شکایت نکرده است و به نظر نمی‌رسد در آینده هم شکایتی کند؛ چون هر دولت به‌خوبی مطلع است که این امر آغاز یک بازی بی‌انتهای سیاسی است که به آشفتگی بیش‌ازپیش روابط بین‌الملل تبدیل خواهد شد که خود می‌تواند به‌سادگی قربانی آینده این فرایند باشد. همه کشورها به‌خوبی از قانون مسئولیت دولت‌ها مطلع‌اند و می‌دانند که طلب خسارت در بروز بیماری‌های واگیردار و عواقب جنبی آن می‌تواند زلزله‌ای جدی در روابط دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی ایجاد کند. ازاین‌رو حقوق‌دانان بین‌المللی معتقدند که این امر از نظر حقوقی و عرف بین‌المللی جایگاهی نداشته و راه به جایی نخواهد برد و سیاست‌مداران کارآزموده نیز آن را ادعایی ناشیانه می‌دانند که می‌تواند تنها منشأ بروز بسیاری از کشمکش‌های ژئوپلیتیک و ظهور اختلافات جدید جهانی و منطقه‌ای شود. چون در عالم سیاست احتمال هر ناممکنی باید ممکن فرض شود، ببینیم اگر این ادعا مطرح شود، واکنش عملی و در صحنه سیاسی و تجاری بین دو کشور و در صحنه جهانی چگونه خواهد بود؟

امکان عملی ادعای خسارت و تأثیرات آن در مواجهه سیاسی-تجاری چین و آمریکا

آیا این ادعا صرفا جنبه مطالبه‌گری داشته یا در عالم واقعیت امکان‌پذیر است و آیا آمریکا عملا می‌تواند دست به چنین اقدامی بزند؟ پاسخ به این سؤال در گرو آگاهی بیشتر از چارچوب مناسبات اقتصادی است که بین چین و آمریکا وجود دارد. روابط چین و آمریکا در نیم‌قرن اخیر دستخوش تحولات جدی بوده است؛ اما اقتصاد چین و آمریکا در سه دهه گذشته به‌شدت به هم آمیخته و گره خورده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۰

حرف اول

مجلس جدید و مدیریت واحد شهری

علی نوذرپور . شهردار منطقه ۲۲ تهران

با آمدن احمدی‌نژاد به دولت، تمامی کادر مدیریتی وزارت کشور تغییر کرد. احمدی‌نژاد رفت بعد از آنکه کلی از ساختارها و منابع انسانی گذشته فرو کوبیده شد. بعد از آن دولت روحانی با همراهی دکتر عارف روی کار آمد و بارقه‌های امید در جامعه شکل گرفت. در این اوضاع و احوال، معاون جدید عمرانی وزیر کشور از نگارنده دعوت به کار کرد و مجددا معاونت امور شهرداری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را بر عهده گرفتم؛ یک روز قبل از معارفه زمانی که هنوز در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام بودم، معاون وقت عمرانی وزیر کشور، نامه‌ای که قالیباف به انضمام یک جلد کتاب به وزیر کشور داده بود، برای بررسی و اعلام نظر برایم ارسال کرد. کتاب پیوست «پیش‌نویس قانون جامع مدیریت شهری» بود. هم‌زمان شهردار وقت تهران در یک تشریفات اداری، پیش‌نویس یادشده را به رئیس وقت مجلس داده بود. آن پیش‌نویس پس از دو سال بحث و بررسی با حضور همه عوامل ذی‌نفع و با مسئولیت و مشارکت استانداری‌ها و شهرداری‌های کشور و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه مدیریت شهری و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها تبدیل به پیش‌نویس لایحه‌ای شد به نام «مدیریت شهری». پیش‌نویس لایحه یادشده بالاخره در سال ۱۳۹۴ با امضای وزیر کشور تقدیم دولت شد و یک سالی نیز در کمیسیون خاص امور کلان‌شهر تهران و سایر کلان‌شهرها مورد بحث و بررسی قرار گرفت و دو بار نیز کلیات آن در هیئت دولت مورد بحث قرار گرفت. اما به واسطه مخالفت جدی اکثریت وزرا، پیش‌نویس لایحه فقط در حد پیش‌نویس باقی ماند. بعدها مجلسی‌ها همان لایحه را تحت عنوان «طرح» به جریان انداختند. مدتی هم در کمیسیون‌های مختلف بررسی شد و در نهایت نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. به‌زودی مجلس جدید آغاز به کار خواهد کرد و قالیباف، یکی از چهره‌های اصلی آن است. کسی که بیش از یک دهه شهردار تهران بود و به دفعات از ضرورت تشکیل مدیریت واحد شهری سخن گفته بود و پیش‌نویس اولیه لایحه که حاصل سال‌ها مطالعه و بررسی محققان و مدیران شهری بود در ابتدای دولت اول روحانی به دولت و مجلس تقدیم کرده بود.

ادامه در صفحه ۴